

بهره‌هوش فوتبالیست‌ها بالاتر است

گزارش



گزارشی از مدرسه فوتبال شهید دستغیب منطقه ۹

سعید زاهدیان



وقتی آقای مقیسه، کارشناس مسئول تربیت‌بدنی منطقه ۹، نشانی مدرسه را از پشت تلفن می‌گوید، حس نوستالژیکی وجودم را فرا می‌گیرد؛ اینجا که مدرسه من بوده است! کمی بالاتر از میدان تهرانسر، در ضلع شمالی پارک نرگس، صدای هیاهوی بچه‌ها به گوش می‌رسد. یادش به‌خیر آن روزها که در همین خیابان، هم‌کلاسی‌هایمان با چهار تا پاره‌آجر، تیر دروازه می‌گذاشتند و بعد از تعطیلی مدرسه، یکی دو ساعتی جلوی در مدرسه بساط فوتبالی داغ و نفس‌گیر برپا بود.

در مدرسه دستغیب پرندۀ پر نمی‌زند؛ حتی داخل حیاط هم اثری از مدرسه فوتبال نیست ولی سروصدای بچه‌ها نزدیک‌تر شده است. وقتی سراغ مدرسه فوتبال را می‌گیریم، آقایی که دم در ایستاده است چند متر جلوتر را نشان می‌دهد. یادم می‌آید که آن روزها کنار مدرسه زمین خاکی درب و داغانی با دیوارهای آجری و در گاراژی بود اما انگار حالا آنجا را به محلی برای ورزش دانش‌آموزان تبدیل کرده‌اند. کمی که جلوتر می‌رویم، از لای در، زمین چمن مصنوعی سبزرنگی دیده می‌شود و بچه‌هایی که با لباس فوتبال وسط زمین دور مربی جمع شده‌اند. به اطراف سرک می‌کشیم. دنبال آقای مقیسه می‌گردیم که یکپهو دو نفر از پشت سر سلام می‌کنند و یکی از آن‌ها می‌گوید: «ابراهیم مقیسه هستم که تلفنی با هم حرف زدیم» و بعد همراهش را این‌گونه معرفی می‌کند: «ایشان هم آقای آزادی هستند؛ مدیر مدرسه شهید دستغیب که عشق و علاقه‌شان به فوتبال باعث به‌وجود آمدن این مدرسه فوتبال شده است.

مقیسه و آزادی همان‌طور که در حال توضیح دادن چگونگی کار مدرسه فوتبال هستند، ما را به گوشه‌ای برای تماشای تمرین بچه‌ها و نشستن روی نیمکت دعوت می‌کنند.

فوتبالیست‌ها شاگرد تنبل نیستند

صدای هواپیماهایی که از فرودگاه مهرآباد بلند شده‌اند و از بالای مدرسه رد می‌شوند، تنها مشکل آقای مربی است. این‌طور مواقع او باید چند ثانیه‌ای مکث کند و بعد برای بچه‌ها حرف بزند. یادش به‌خیر؛ معلمان ما هم سر کلاس همیشه با این معضل روبه‌رو بودند که وسط بحث، یک‌دفعه شیشه‌ها می‌لرزید و صدا به صدا نمی‌رسید و کلاس ساکت می‌شد تا هواپیما از بالای مدرسه بگذرد و دوباره درس شروع شود. بعد از اینکه هواپیمای گول‌پیکر پرسروصدا از بالای مدرسه فوتبال رد می‌شود، آقای آزادی صدایش را صاف می‌کند و حرفش را از سر می‌گیرد: «در انتخاب مربی دقیق هستیم. همواره کسی را انتخاب می‌کنیم که حداقل مدرک D مربیگری را داشته باشد و در کار با نوجوانان صاحب تجربه باشد. حتماً شما هم می‌دانید که کار با این بچه‌ها قبل از هر چیز عشق و علاقه می‌خواهد. نحوه انتخاب بچه‌ها هم این‌طور بود که ما استعدادیابی کردیم و بعد دو کلاس تشکیل دادیم که همگی در مدرسه فوتبال حاضر هستند. در واقع، بچه‌هایی که اینجا می‌بینید در مدرسه هم با هم سر یک کلاس می‌نشینند. اگر دیدیم کسی استعداد فوتبال ندارد، او را به رشته دیگری معرفی می‌کنیم. در واقع، مدرسه فوتبال ما شامل همه بچه‌ها

نمی‌شود. از بین ۳۰۰ نفر، حدود ۱۰۰ نفر را گزینش کردیم و بعد در غربال نهایی به دو کلاس ۳۴ نفره رسیدیم که الان اینجا حاضر هستند. یک کلاس ساعت یک بعد از ظهر تمرین می‌کند و کلاس بعدی ساعت ۳ در زمین حاضر می‌شود.»

در حالی که اکثر مردم فکر می‌کنند دانش‌آموزان فوتبال لیست درس‌خوان نمی‌شوند و همیشه فوتبالیست‌ها جزو دانش‌آموزان تنبل و ضعیف

مدرسه هستند، آقای آزادی، مدیر مدرسه دستغیب، خلاف این ادعا را مطرح می‌کند: «ما هفت کلاس در یک پایه داریم که دو کلاس از آن‌ها در مدرسه فوتبال

حضور دارند. بچه‌های این دو کلاس شیطان‌تر از بقیه هستند اما معلمان ترجیح می‌دهند با این دو گروه کار کنند و با فوتبالیست‌ها راحت‌ترند. معلمان می‌گویند که این‌ها با وجود شیطننت و دردهایی که گهگاه درست می‌کنند، از بهره هوشی بالاتری برخوردارند و در کلاس‌گیری بیشتری دارند. وقتی به نمرات درس آن‌ها هم نگاه می‌کنیم، وضعیت به مراتب بهتری در این دو کلاس حاکم است. نکته جالب این است که بچه‌های این دو کلاس هرگز تجدید نیاورده‌اند و همگی در امتحانات قبول شده‌اند اما در کلاس‌های دیگر ما این‌طور نیست.»

مدیر شجاع مدرسه دستغیب

حرف‌های مدیر مدرسه که تمام می‌شود، آقای مقیسه شروع به توضیح وضعیت این بچه‌ها در منطقه و مسابقات آموزشگاه‌ها می‌کند. او که دانش‌آموزان تمام مدارس منطقه ۹ را در آموزشگاه‌ها دیده و ارزیابی کرده است، درباره شرایط این بچه‌ها می‌گوید: «همیشه بچه‌های مدرسه دستغیب در مسابقات آموزشگاه‌ها خوب ظاهر می‌شوند. خیلی منضبط و یک‌دست هستند و در فوتبال هم گروهی بازی می‌کنند. هر سال هم مقام‌های خوبی کسب می‌کنند.»

مدرسه فوتبال دستغیب که جزو فوق برنامه دانش‌آموزان است، در ردیف بهترین ساعات فوق برنامه ورزشی در سطح منطقه قرار دارد.

ارزیابی مثبتی که ما از اینجا داشته‌ایم، ما را به این نتیجه رسانده که این الگو را در سایر مدرسه‌های منطقه هم توسعه دهیم. البته علاقه مدیر مدرسه هم شرط است. در این مدرسه خود آقای آزادی اهل ورزش و فوتبال است و بی‌آنکه از کسی انتظار داشته باشد، مدرسه فوتبال برای بچه‌های مدرسه تأسیس کرده است اما مدیران دیگری داریم که سر ساعت می‌آیند و به محض پایان ساعت کار هم خداحافظ!

بعضی‌ها هم از مسئولیت این کار می‌ترسند که اگر خدای نکرده در حین فوتبال برای دانش‌آموزی اتفاقی بیفتد، چگونه باید جوابگو باشند. به همین خاطر شهامت مدیر مدرسه هم شرط است.»

در حالی که آقای مقیسه این حرف‌ها را می‌زند، آقای آزادی چند نکته را درباره کارش بیان می‌کند: «اگر آدم محافظه‌کار باشد، هیچ چیز جدیدی خلق نمی‌شود. باید حساب همه چیز و همه کار را کرد و جوانب احتیاط را سنجید و لسی اینکه مدام بترسیم که اگر بچه‌ها فوتبال بازی کنند ممکن است آسیب ببینند، نمی‌توانیم از عهده مسئولیت این کار برآییم و هیچ‌وقت نمی‌توانیم کار ویژه‌ای انجام دهیم. خدا را شکر تا امروز مشکلی برای ما پیش نیامده...»



در انتخاب مربی دقیق هستیم. همواره کسی را انتخاب می‌کنیم که حداقل مدرک D مربیگری را داشته باشد و در کار با نوجوانان صاحب تجربه باشد



در این بچه‌ها
استعداد و توان فوتبالیست
شدن را می‌بینم. شاید اگر این
مدرسه فوتبال نبود، هیچ‌کدام از
این بچه‌ها در جای دیگری ثبت‌نام
نمی‌کردند و استعداد آن‌ها
دیده نمی‌شد و به‌هدر
می‌رفت

آن‌ها دیده نمی‌شد و به‌هدر می‌رفت. الان دیگر در خیابان و کوچه‌ها جای بازی نیست و به همین دلیل، فوتبال خیابانی وجود ندارد. اگر مدرسه‌ها کار ویژه‌ای انجام دهند، ممکن است دوباره بازار فوتبال رونق بگیرد و آن‌ها می‌توانیم انتظار پرورش بازیکن در خیابان‌ها را داشته باشیم».

حرف‌های ما ادامه دارد؛ از میان دانش‌آموزان عبور می‌کنیم و از در مدرسه فوتبال بیرون می‌آییم تا سری به مدرسه بزیم. بچه‌های پرنانژی که فهمیده‌اند یک خبرنگار سر تمرین آن‌ها آمده است، مدام سؤال می‌کنند که عکس ما کی چاپ می‌شود و با شوخی و شیطنت‌های بچه‌گانه اسم ستاره‌های فوتبال دنیا را پشت اسم خود می‌گذارند و آرزو دارند که مثل مسی، رونالدو و... شوند.

حالا به مدرسه رسیده‌ایم؛ همه چیز تغییر کرده است. داخل حیاط روی در و دیوار شعارهایی با مضمون ورزش دیده می‌شود. در حیاط مدرسه، حالا یک زمین بسکتبال شکل درست کرده‌اند که آسفالت نیست بلکه آموزش‌وپرورش در طرحی جالب آن را با اسفنجی نرم پوشانده است که به بچه‌ها در حین بازی آسیب وارد نشود. مقیسه از هزینه ۶۰ میلیونی این طرح خوب حرف می‌زند و ذهن من برمی‌گردد به روزهایی که ۱۶-۱۵ ساله بودم و با حسرت فکر می‌کنم که اگر مدرسه ما آن روزها زمین بسکتبال یا مدرسه فوتبالی به این خوبی داشت، چقدر از بچه‌ها ورزشکار شده بودند. از ما که گذشت اما با این حیاط بزرگ، با این زمین بسکتبال ویژه و با چمن مصنوعی و سالن چندمنظوره و البته حضور آقایان آزادی و مقیسه و مربی خوبی مثل آقای خدایی می‌توان به آینده امیدوار بود.

مقیسه در پایان به نکته خوبی اشاره می‌کند: «اگر توکل شما به خدا باشد و نیت خیر داشته باشید، کارها هم درست و خوب پیش می‌رود. آقای آزادی با نیت کمک به ورزش بچه‌ها مدرسه فوتبال را ایجاد کرده و اینکه خودش همیشه بالای سر بچه‌ها حاضر است، احتمال هرگونه مشکلی را به حداقل می‌رساند. البته در جریان فوتبال ممکن است هر حادثه‌ای هم رخ دهد که این از اختیار آقای آزادی، من و مربی مدرسه خارج است».

۸۰ هزار تومان برای ۳ ماه

یکی از سؤالات ما درباره شهریه مدرسه فوتبال است. مدیر مدرسه دستغیب به سرعت جواب می‌دهد: «۸۰ هزار تومان برای سه ماه. اغلب اولیا این شهریه را می‌پردازند و خیلی هم راضی هستند؛ چون دیگر دغدغه فرستادن فرزند خود به مدارس فوتبال خصوصی را ندارند. از طرفی، اعتماد خانواده‌ها به مدرسه بیشتر است و می‌دانند که فرزندشان در چه محیطی و با چه شرایطی ورزش می‌کند. فاصله مدرسه با زمین فوتبال کمتر از ۱۰۰ متر است و دانش‌آموزان نه تنها هزینه رفت و آمد ندارند که مشکلی هم از بابت مسافت و خطرات راه برایشان نیست. به همین دلیل، اقبال خانواده‌ها از این مدرسه فوتبال خوب بوده است. خانواده‌ها که به مدرسه مراجعه می‌کنند، خیلی از فرزندان خود اظهار رضایت می‌کنند و می‌گویند که معلم مدرسه فوتبال روی اخلاق آن‌ها تأثیر گذاشته است و باعث شده اخلاق بهتری پیدا کنند و در خانه مؤدب‌تر هستند».

از مربی حرفه‌ای تا زمین بسکتبال ۶۰ میلیونی

صحبت ما با آقایان آزادی و مقیسه به آخر رسیده که زمان تمرین تمام می‌شود و مربی مدرسه فوتبال هم به جمع ما می‌پیوندد. آقای آزادی او را به ما معرفی می‌کند: «آقای خدایی مربی مدرسه فوتبال ما هستند». بعد خود مربی درباره سابقه فوتبالی‌اش این‌گونه می‌گوید: «بازیکن تیم‌های آتش‌نشانی، هما، نفت و گسترش بودم و از همان زمان به کار با تیم‌های پایه علاقه‌مند شدم. به‌نظرم اگر کار در تیم‌های پایه خوب انجام شود، معضلات فوتبال کاهش می‌یابد. دلیل اینکه به مدرسه فوتبال دستغیب آمدم، امکانات خوب و علاقه‌ام به کار با بچه‌ها بود. چون خودم فوتبال بازی کرده‌ام، در این بچه‌ها استعداد و توان فوتبالیست شدن را می‌بینم. شاید اگر این مدرسه فوتبال نبود، هیچ‌کدام از این بچه‌ها در جای دیگری ثبت‌نام نمی‌کردند و استعداد